

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/02/10



ادامه بحث از عدم نجاسات حیواناتی که دم سائله ندارند  
درباره حیواناتی که دم سائله ندارند بحث کردیم گفتیم در موثقه عمار ساباطی باب 35 از ابواب نجاسات ج2 وسائل آمده است کل ما لیس له دم فلا. باس این مطلب هم منصوص است و هم مورد اجماع بلکه مورد تسالم اما عده از فقها در مواردی تشکیک کرده اند اصل مسئله معلوم است گفتم یک بحثی اصلی است و یک بحث فرعی بحث اصلی اینکه حیوان ما لا نفس سائله طاهره بحثی نیست اجماع و فتوا و نصا حکم وزغ ایا طبق قاعده است

اما بحث فرعی مواردی بود بعضی از فقها اشکال کرده اند از جمله درباره وزغ شیخ طائفه (ره) در کتاب نهاییه صفحه 52 شیخ صدوق در فقیه جلد 1 صفحه 8 و 10 سید ابن زهره در غنیه صفحه 49 سلار در مراسم صفحه 65 گفته اند وزغ جزء اعیان نجسه است یک عینی در کنار اعیان نجسه اضافه کنید نصوصی در این رابطه است که بر مقتضای ان نصوص باید بگوییم وزغ نجس است درباره این مطلب سه تا روایت را ذکر کرده اند در روایت حکم وزغ و فاره با هم سوال شده است

روایت اول صحیحہ معاویه بن عمار کتاب وسائل جلد 1 باب 19 از ابواب ماء مطلق حدیث 2 در این حدیث آمده است باسناده اسناد شیخ طوسی عن الحسین بن سعید اهوازی عن حماد و فضاله بن ایوب عن معاویه بن عمار قال سالت ابا عبد الله عن الفاره و الوزغه تقع فی البئر قال ینزع منها ثلاث دلاء

سوال و جواب درباره وزغ نص خاصی داریم که گفته است نجس است به مقتضای این نص عمل می کنیم اگر دم سائل داشته باشد طبق قاعده است و اگر دم سائله ندارد تخصیص داده شده است بوسیله نص دلالت این روایت بر مطلوب ابهامی ندارد سه دلو اب بکشد از چاه بعد از افتادن در چاه یک حکم تعبدی نیست معلوم است که کشف قطعی می کند از الودگی سید الاستاد هم می فرماید در دلالت این روایت بر نجاست ابهامی دیده نمی شود

سند هم کامل است حکم این خواهد شد که وزغ هم جزء اعیان نجسه است سوال و جواب سوال این است که شاید این دو تا با هم افتاده باشند این از فاره نجاست را گرفته اگر وزغ تنها بود نجس نبود نه این فاره جدا وزغ جدا واو دارد حکمش سوال از هر دو است افتادن در اب اگر بگوییم که سوال از بقر و غنم معنایش این است که اگر دو تایش با هم بودند واو معیت در سوال است نه معیت در افتادن در اب کسی چنین چیزی نفهمیده

روایت غنوی از امام صادق که وزغ را به صورت مخصص ذکر کرده است روایت دوم در همین باب 19 از ابواب ماء مطلق حدیث 5 و در باب دیگر باب اسنار آمده هارون بن حمزه این حدیث بقیه روایتش درست است یزید بن اسحاق توثیق خاص ندارد از این جهت درباره سندش حرفی هست هارون از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام سوال می کند [سأله عن الفاره و العقرب و اشباه ذلك يقع في الماء فيخرج حيا هل يشرب من ذلك الماء و يتوضا منه قال يسكب منه ثلاث مرات و قليله و كثيره بمنزله الواحده ثم يشرب منه و يتوضو منه غير الوزغ فانه لا ينتفع بما يقع فيه](#) دلالت بسیار کامل جدا کرد سند این روایت هم که مشککش یزید بن اسحاق خوشبختانه در سند کامل الزیاره ذکر شده و بنابر مبنای خود سید الاستاد این روایت هم سندش معتبر است دو تا روایت معتبره

مبنای مرحوم آقای خویی در مورد توثیقات عام کتاب کتاب کامل الزیارات سوال و جواب این بنده حقیر خدا این اوازه را شنیده ام ولیکن چند سال قبل از وفاتشان در زمان حیاتش مبارکشان این حرف را شنیده بودم اما ان قدر ان متوجه و ملتفت بود که که اگر رایش تغییر کرده بود اعلام می کرد اعلام قطعی و سند قطعی وجود ندارد در حد یک شائعه بسیار پر قدرتی است اما سند ندیده ایم حالات و اوضاع که این حقیر بلد بودم در این مسائل تمام بدنه اصلی زندیگش فقه و اصول بود مسائل جانبی و حوزه و اینها حاشیه بود متن زندگیش فقه و اصول بود قطعاً خبر می داد و اعلام می کرد هنوز سند کتبی ما نیافتیم شاید قرائنی باشد که همچنین چیزی واقعیتش ثابت نیست در کتب چاپ شده در منابع فقهی کتب اعلام کرده باشند و بعد لازم است اگر انصراف حاصل شده باشد بنویسد تا بماند سوال عمرکی چه طور جواب عمرکی صحیح است توثیق خاص دارد روایت سوم عبارت است از روایت فقه رضوی که در کتاب فقه الرضا صفحه 93 [فان وقع في الماء وزغا اهريق ذلك الماء](#) این سه تا روایت مستند است برای حکم به نجاست وزغ شاید کم و بیش محل ابتلا هم باشد مخصوصاً در آزمایشگاه های علمی برای اطباء

نظر مرحوم خویی در مورد سه روایتی که در مورد وزغ ذکر شده است سید الاستاد در تنقیح عروه جلد 2 صفحه 445 می فرماید و صحیح و تحقیق این است که این وجوه لا یمکن المساعدة علیه برای اینکه اولاً سه تا روایت نیست یک روایت است دو تا روایت سندش ضعیف است روایتی که سند ضعیف باشد پیش ایشان کلاً روایت است روایت اول یزید بن اسحاق توثیق ندارد و سند هم کامل نیست سند که کامل نبود کانما این است که دلالتش را کار ندارد

تعارض روایات دال بر نجاست وزغ با روایت عمرکی و روایت سوم که روایت فقه رضوی باشد یک اشکالی وجود دارد و یک اعتبار اشکالش معروف است اعتبار غیر معروف تعارض بین معروف و غیر معروف طبیعتاً معروف مقدم است اعتبار معروف این است که تمامی این نصوص از شخص اقا امام رضا گرفته شده

بيانات امام رضا است يك اصل در كنار اصول اربعماه و واحد مي شود اين يك اعتبار است لذا اسمش فقه الرضا است از خود امام رضا ست اما فقها مخصوصا اربابان اصول بويژه سيد الاستاد با كلام نفسي مي فرمايند كه اين اسناد و نسبت ثابت نيست ممكن است فتواهاي خود شيخ صدوق باشد اصلا حتي روايت بودنش زير سوال مي رود فضلا از اينكه اعتبار هم داشته باشد اين حرف معروف است بين اصولين طبيعيا اعتبار قائل نمي شوند اما در مقام استدلال هم ذكر مي كنند اين دو تا روايت كه از دور خارج شدند روايت اول كه باقي ماند صحيحه بود سيد مي فرمايد كه سندش صحيح هست و دلالتش قابل انكار نيست اما معارض دارد اولين معارض اين روايت صحيحه عبدالله بن جعفر وسائل ج 1 باب 9 از ابواب استئثار حديث يك عبارت است از صحيحه علي بن جعفر سند محمد بن الحسن باسناده عن العمركي كه صحيح و موثق است اسناد شيخ هم درست است عن علي بن جعفر عن اخيه الامام موسي بن جعفر عليهما السلام في حديث قال **سألت عن العظاية و الحيه و الوزغ يقع في الماء فلا يموت ايتوضو منه للصلاه قال لا بأس به** اين بيان امام كه مي فرمايد لا بأس به اگر نجس باشد وزغ حيوان نجسي كه بيافتد در آب يقع في الماء مطلق ماء فرمود لا. بأس دلالت بر طهارت وزغ دارد اطلاق هم معلوم است نسبت به ماء قليل باشد يا كثير نجس نمي كند اين حديث دلالت و سندش كامل با حديث معاويه بن عمار كه سند و دلالتش كامل بود حداقل تعارض مي كند

در تعارض يك قاعده داريم و يك اصل

تعارض كه بكنند در تعارض يك قاعده داريم يك اصل قاعده در تعارض تساقط است اصل رجوع به عمومات فوق تعارض اين دو تا روايت را از كار انداخت اصل مراجعه به ادله و عمومات فوق درباره عمومات فوق مي فرمايد صحيحه فضل عن العباس وسائل ج 1 باب 1 از ابواب استئثار حديث شماره چهار عنه اين عنه سند قبلي حسين بن سعيد است كه ایشان هم از حماد نقل مي كند عنه عن حماد عن حريز عن ابن ابي العباس فضل بن عبدالملك كنيه اش است ابوالعباس عن العباس بن وليد از اصحاب امام صادق سالت ابا عبدالله عليه السلام اين حديث را جاهلي ديگر به مناسبت ذكر كرده اند **عن فضل الهره و الشاه و البقره الابل و الحمار و الخيل و البغار و الوحش والسباع فلم اترك شيئا الا سألته عنه فقال لا بأس به حتي انتهيت الي الكلب فقال رجس نجس لا. تتوضو بفضله و اصيب ذلك الماء اغسله بالتراب اول مره ثم بالماء** اين عمومات است از تمامي حيوانات و حشرات گويا سوال به عمل آمده كه مي گويد چيزي را باقي نگذاشته ام سوال كردم كه گويا از وزغ هم قطعا سوال شده است فرموده لا. بأس اشكالي ندارد ما به اين عموم عمل مي كنيم و بر اساس همين عموم مي گوييم وزغ پاكَ است و دليل بر نجاست ان نداريم دلالت دارد بر طهارت كل اين چيزهايي كه سوال شد مگر كلب

سوال و جواب فعلا بحث ما اين است كه وزغ دم سائل دارد يا ندارد گفته شده است كه هر حيواني كه دم سائل ندارد پاكَ است مگر درباره وزغ كه اشكال شده كه گفتم اين اشكال نص است اگر دم سائل دارد مي شود تخصيص و دم سائل كه ندارد حي و ميتش پاكَ است اگر نجس باشد حي و ميتش نجس است

ايا بحث وزغ به عنوان نجس العين استثناء مي شود يا به عنوان اين كه دم سائله دارد سوال و جواب انها را گفتيم كل حيواناتي كه دم سائله ندارند پاكَ است پاكَ كه بود زنده اش

پاک است مرده اش پاک است و اگر نجس بود زنده اش هم نجس است بحث ما فعلا. در این است که حیواناتی که دم سائل ندارند پاکند ان حیوانی که زنده اش نجس است زیر قاعده حیوانات لیس له دم سائل وارد نمی شود از جمله وزغ حکم به نجاستش صادر شده نص خاص زنده اش گفتم از اعیان نجسه وارد می شود بنابراین فعلا. از میته و احکام میته که حیوان حلال گوشت است ذبح شرعی نشده نجس است چه احکامی دارد بحثی نیست ان جهت جدایی است فعلا. بحث در حیوانات و حشراتی که دم سائل ندارند پاکند زنده و مرده اش پاک است اگر از این حشرات یک موردی را پیدا کردید که نجس بود زنده و مرده اش نجس است وزغ را پیدا کردیم نص خاص که زنده اش نجس است مرده اش هم نجس است

بحث از وزغ نسبت به این که دم سائله ندارد مفروغ عنه است سوال و جواب صحبت از دم سائله است حیواناتی که دم سائله ندارند پاک هستند بنابراین ما یک مورد اشکال پیدا کردیم که وزغ نص خاص داریم که این وزغ نجس است در حالی که می بینیم وزغ خارجا از حیواناتی است که دم سائل ندارد در این قسمتش بحث نکردم تقریبا وزغ جزءمسلمات است دم سائله ندارد اما نص خاص آمده که وزغ نجس است بقیه حیواناتی که دم سائل ندارند پاکند ما در بحث تا الان کسی وزغ را جزءحیواناتی که دم سائل ندارند گرفته باشد کسی پیدا نشده و نشنیده ایم که وزغ دم سائل دارد ما تقریبا می بینیم مشهود است کسی درباره اش اظهار نظری نکرده است ما یک راه را باز گذاشتیم که اگر بر فرض اگر دم سائل دارد اشکال که ندارد نص دم سائل اگر داشت را که طبق قاعده گفته کشف کرده از یک واقعیت اگر دم سائل ندارد نص تخصیص زده یا نص طبق قاعده گفته که این نجس است که دم سائل دارد و اگر دم سائل ندارد تخصیص زده این را راهش باز گذاشتیم در این رابطه مشکلی نداریم بعد از تعارض رفتیم به سراغ عمومات گفتیم تعارض یک قاعده دارد اصل قاعده تساقط است اصل رجوع به عموم ما فوق است این بیان سید است

سوال و جواب اگر حشرات که دم سائله ندارند میتش هم پاک است مخصوص به کل زنده است که دم سائل ندارند زنده و مرده اش پاک است در داخل چاه بیافتد گفت لا. باس معلوم است که دم سائل ندارد زنده بیرون بیاید لا باس معلوم است که دم سائل ندارد اگر یک حیوانی را گفت افتاد و مرده اش بیرون آمد نجس است وزغ کشف می کنیم که از قاعده دم سائله مستثناست و اگر گفت در چاه افتاد و مرد باز هم گفت اشکال دارد می فهمیم که از قاعده دم سائل استثناءشده

سوال و جواب شما گفتید که این نص که می گوید از اول گفتم وزغ که در نص به طور خاص گفته شده است که نجس است اولاً در جمع اعیان نجسه یک نجس اضافه شده نکته دوم هم گفتم که اگر وزغ درواقع دم سائل داشته باشد این نص می شود طبق خاص و اگر دم سائل نداشته باشد در واقع می شود تخصیص این آمد و تعارض کرد و تعارض هم تساقط به عموم مراجعه کردیم .

سوال و جواب مطلب که ایشان می گوید خوب است که جزءموضوعات خارجی است موضوعات خارجی اجتهاد بردار نیست موضوعات خارجی یا به مشاهدات حل می شود یا به معاینات اگر از امور مشاهدات باشد می رویم با چشم سر می بینیم اگر معایناتی باشد می

دهيم به متخصص الان طولي نمي كشد تا مراجعه كنند تا برونند با يك چاقو زدن مي بينند كه خون جهنده دارد يا ندارد چرا اينقدر طول بدهيم بحث اينجا نيست درباره وزغ نسبت به دم سائله داشتن يا نداشتن كسي اشكال و بحث نكرده در فقه فقها درباره وزغ بحث موضوعي ندارد فقط بحث حكمي است به خاطر نص مطلب كه تا اينجا تمام شد سوال و جواب صدوق و شيخ طائفه و ابن زهره شاذ نيست روايت هم معتبر است قابل معارضه است كار به تساقط كشيده شد بعد از تساقط به عموم مراجعه كرديم فتوا همان است كه سيد در متن فرمود دليل هم همان بود كه سيد الاستاد فرمود و يوكده كه اكثريت و مشهور بر اين است بر طهارت وزغ است و مويد ديگر اين است كه وزغ از حيوانات و حشراتي است كه دم سائل ندارد بنا بر اين مورد از وزغ امديم بيرون رسيديم به حيه و تمساح حيه و تمساح را اشكال موضوعي مي كنند اين اشكال اشكال حكمي بود اشكال موضوعي است كه مي گويند اين دو تا حيوان دم سائل دارند بحثش را ان شاء الله فردا دنبال مي كنيم.